



سیدحسین دلبری، ۱۴۰۳

## واکاوی دیدگاه فقها پیرامون عرفان‌های کاذب و نوظهور و عرفان حقیقی

دانش فقه به عنوان علمی برگرفته از شریعت، همواره یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین علوم اسلامی بوده است، زیرا تمامی روابط و اعمال دنیوی مسلمانان در حوزه فقهی دارای حکمی مشخص است. یکی از علوم عمومی که پرداختن به آن از جهت فقهی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است دانش عرفان است چه از حیث عرفان نظری و چه از نظر عرفان عملی. یکی از موضع‌گیری‌های فقه نسبت به عرفان، پرداختن به عرفان‌های کاذب و نوظهور و بیان تفاوت آن‌ها با عرفان حقیقی است. نتایج پژوهش حاضر که به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی صورت گرفته است نشان می‌دهد که آراء و اندیشه‌ی منحرفین دارای دو بعد کلی است؛ 1. بعد الحادی و 2. بعد غیرالحادی. بعد الحادی دربرگیرنده‌ی مواردی است چون: اباور به الوهیت پیامبر اکرم (ص) و خاندان ایشان، اعتقاد به شریک بودن با خداوند در معبودیت و خالقیت، باور به حلول، تناسخ، اشبیه و تجسیم و .... بعد غیرالحادی نیز مشتمل بر مواردی است چون: تفویض علم و قدرت امامان، اباحه‌گری، بدعت و .... در هر دو بعد فقها آراء و نظرات خود را مطرح ساخته‌اند. مبتنی بر دیدگاه فقها گرایش به عرفان‌های کاذب با تکیه بر سه ادله‌ی فقهی رد می‌شود:

از دیدگاه فقهای امامیه، تصدی‌گری و ترویج عرفان‌های کاذب، به دلیل حرمت بدعت و تشریح و قاعده نفی سبیل، حرام است. همچنین از دیدگاه فقهای امامیه، جذب شدن و پیوستن به عرفان‌های کاذب بنا بر قاعده فقهی حرمت تشبه به کفار و نیز ادله لزوم کسب اعتقادات صحیح و ادله لزوم کسب رفتارهای صحیح حرام است. همچنین از دیدگاه فقهای امامیه، مبتنی بر قاعده فقهی حرمت حفظ کتب ضاله، هر گونه حفظ و نشر و مطالعه آثار مربوط به عرفان‌های کاذب حرام است.

**کلیدواژه‌ها:** فقه، عرفان‌های کاذب و نوظهور، عرفان حقیقی

شماره‌ی پایان‌نامه: ۱۲۷۲۲۹۲۵۲۱۹۵۶۳۸۱۵۳۰۲۷۱۶۲۸۱۶۹۹۲

تاریخ دفاع: ۱۴۰۳/۰۶/۲۱

رشته‌ی تحصیلی:

دانشکده:

استاد راهنما: دکتر محسن ولایتی

### **Thesis:**

Analyzing the views of jurists regarding false and emerging mysticism and true mysticism

The knowledge of jurisprudence, as a science derived from Sharia, has always been one of



the most important and effective Islamic sciences, because all the worldly relations and actions of Muslims in the field of jurisprudence have a specific ruling. One of the sciences that is of special importance from the point of view of jurisprudence is the knowledge of mysticism, both in terms of theoretical mysticism and practical mysticism. One of the stances of jurisprudence towards mysticism is dealing with false and emerging mysticisms and expressing their equality with true mysticism. The results of the current research, which was conducted in a descriptive-analytical way, show that the opinions and thoughts of deviants have two general dimensions; 1. The atheist dimension and 2. The non-theistic dimension. The atheist dimension includes things such as: belief in the divinity of the Holy Prophet (PBUH) and his family, belief in being a partner with God in divinity and creation, belief in dissolution, reincarnation, likeness and embodiment, etc. The non-atheist dimension also includes things It is because: delegation of knowledge and power of imams, falsification, heresy, etc., in both aspects, jurists have expressed their views and opinions. Based on the point of view of jurists, the tendency towards false mysticism is rejected by relying on three jurisprudential evidences:

From the point of view of Imamiyyah jurists, holding and promoting false mysticism is forbidden due to the sanctity of innovation and legislation and the rule of negation of mustache. Also, from the point of view of Imamiyyah jurists, it is forbidden to be attracted to and join false mystics according to the jurisprudential rule of sanctity being similar to infidels, as well as the evidence of the need to acquire correct beliefs and the evidence of the need to acquire correct behavior. Also, from the point of view of Imamiyyah jurists, based on the jurisprudential rule of the sanctity of preserving lost books, any kind of preservation, publication and study of works related to false mysticism is forbidden.